

مشخصه‌های گفتمانی فرایند جرم‌انگاری ارتشاء در دهه ۱۳۶۰ خورشیدی^۱

علی حسین نجفی ابرندآبادی*^۱، محمد فرجیها^۲، سکینه خانعلی پور واجارگاه^۳

۱. استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

۲. دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس

۳. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۲/۱۵ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۱۲/۸)

چکیده

هر پدیده انسانی حاصل تعامل و تعارض است و فرایند جرم‌انگاری نیز به‌عنوان سازوکار تنظیم‌گر رفتارهای اجتماعی - انسانی، برآیند گفتمان‌هایی است که حول آن شکل می‌گیرند. شناسایی این گفتمان‌ها، ترسیم‌گر فضای حاکم بر این فرایند است. این پژوهش با تشخیص ویژگی‌های هر گفتمان در طی فرایند جرم‌انگاری پدیده ارتشاء، درصد کشف روابطی است که این فرایند را شکل می‌دهند. برای ترسیم این جریان از روش سیاست‌گذاری مرحله‌ای مبتنی بر تعریف مشکل، ارائه راه‌کار و مشروعیت به آن استفاده و در دل هر مرحله ویژگی‌های گفتمانی بیان شد. تحلیل محتوای مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی در خصوص قوانین مهم در حوزه جرم‌انگاری ارتشاء نشان داد که با توجه به چند بُعدی بودن این پدیده، گفتمان‌های مختلف در فرایند جرم‌انگاری آن با مشخصه‌های گوناگون و نقطه تمرکز خاصی حول تعریف مشکل و بیان راه‌کار شکل گرفتند. درنهایت، این روابط و ویژگی‌های گفتمانی نشان دادند که جرم‌انگاری ارتشاء در دهه ۱۳۶۰ بیش از همه تحت تأثیر بینش‌های سیاسی و اجتماعی آن دوران قرار داشت و نمایندگان مجلس شورای اسلامی تا حد بسیاری در پی توسعه جرم‌انگاری این پدیده بودند و تمایل داشتند تا مصادیق خرد این جرم را در قالب اخلاق در نظام اقتصادی شناسایی کنند. اگرچه در مقابل، رویکرد مداخله کیفری محدود توانست این دیدگاه را کنترل کند.

کلیدواژگان

مشخصه‌های گفتمان، فرایند جرم‌انگاری، ارتشاء، فرایند حل مسأله

* ahnaus@yahoo.com

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری سکینه خانعلی پور واجارگاه با عنوان «نظریه‌مندسازی قانون‌گذاری کیفری ایران در حوزه فساد» به راهنمایی دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی در دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی است.

درآمد

قوانین کیفری به منظور اثرگذاری بر محدوده‌های رفتاری ناظر بر زندگی اشخاص وضع می‌شوند. این قوانین درصدد انتظام بخشی ارتباطات، کنش‌ها و برخوردها در جامعه هستند. از مهم‌ترین مقوله‌های حقوق کیفری، جرم‌انگاری یا فرایندی است که به موجب آن اعمال مجرمانه با معیارهای خاص و در راستای حفظ ارزش‌های اجتماعی و نظم عمومی و طی فرایندی گزینشی همراه با توجیهاتی، مشخص می‌شوند. در این فرایند ممکن است باورها و رفتارها تغییر شکل دهند و در قالب‌های نوینی بازتعریف شوند.

درواقع، فرایند جرم‌انگاری که برخی آن را اصلی‌ترین پرسش در حقوق کیفری و گونه‌ای فلسفه سیاسی و اخلاقی می‌دانند (نوبهار، ۱۳۸۷، ص. ۱۲)، از طریق عملیات حقوقی و اجتماعی، منجر به وضع جرایم جدید می‌شود (نجفی‌ابرنادادی و هاشم بیگی، ۱۳۹۵، ص. ۹۰) که مشتمل بر تعریف رفتار و نام‌گذاری آن است. بدین‌سان، با وضع ممنوعیت یا تکلیف جدید منجر به محدود کردن منطقه و فضای آزادی فرد می‌شود که رهاورد آن تقسیم فضای اجتماعی به قانونی و غیرقانونی است (دل‌ماس‌مارتی، ۱۳۹۵، ص. ۳۸۴). از این‌رو، می‌توان جرم‌انگاری را دروازه ورود مقولات به دنیای کیفری پنداشت.

جرم‌انگاری نیز مانند هر فرایندی در جوامع انسانی حاصل تعاملات و طی مراحل است. معمولاً هنگامی اندیشه ایجاد این فرایند شکل می‌گیرد که پدیده‌ای ظاهر شده باشد و به‌مرور به‌صورت مشکل یا مسأله‌ای قابل‌اعتنا و نیازمند پاسخ و تدبیر نمود یابد. پس از شناسایی مشکل و تبیین ابعاد آن، سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران تلاش می‌کنند تا راه‌کارهای مناسبی را بیابند و دست به توجیه آن‌ها می‌زنند.

اندیشمندان مختلف هر یک این فرایند را مشتمل بر مراحل مختلفی دانسته‌اند، اما تمامی آن‌ها در این امر هم‌داستان‌اند که ابتدا باید مشکل ترسیم و ابعاد آن به‌روشنی مشخص شود. پس از آن، راه‌کارهای ممکن ارائه و درنهایت، راه‌کار مناسب برگزیده می‌شود.^۱

در هر یک از این مراحل، دیدگاه‌ها و رویکردهای مختلفی شکل می‌گیرند و در مقابل هم‌قد علم می‌کنند و یکدیگر را به چالش می‌کشند. این دیدگاه‌ها و رویکردها که هر یک بر باور مرکزی (امنیت سیاسی، عدالت اجتماعی و ...) استوارند، با صبغه‌های مختلف و از زوایای گوناگون مشکل را

۱. همان‌طور که در تقسیم‌بندی ارائه شده از جونز نیز بر این سه مرحله تأکید می‌شود (وحید، ۱۳۸۳، ص. ۲۲)؛ جیمز و اندرسون نیز مراحل شیبه به جونز ترسیم می‌کنند (اشترین، ۱۳۸۶، ص. ۲۱). مدل زاو نیز با تعبیری متفاوت، بیان‌گر همین مراحل است (Solomon, 1981, p. 7). از مشهورترین نظرات در این خصوص به کینگدان مربوط می‌شود. به منظور مشاهده تقسیم‌بندی مدنظر وی بنگرید به:

Kingdon, John W. (2014), *Agendas, Alternatives and Public Policies* (second edition), Pearson New International Edition, pp.2-3.

ترسیم می‌کنند و راه‌کارها را پیشنهاد می‌دهند و می‌کوشند تا آن‌ها را توجیه کنند. به این ترتیب، می‌توان گفت که رویکردهای گوناگونی حول یک مشکل ایجاد می‌شود که هر یک از دریچه خود به موضوع می‌نگرد و آن را مطرح می‌کند. از این رویکردها می‌توان به گفتمان تعبیر کرد. منظور از گفتمان در این نوشتار، نگرش‌ها یا خواسته‌هایی است که گروه‌ها بر اساس اهداف یا ارزش‌های خود مطرح می‌کنند. این ارزش‌ها و اهداف می‌توانند ناشی از منافع یا مصالح یا باورهای آنان باشد که منجر به تلاش برای تأثیرگذاری بر فرایند قانون‌گذاری می‌شود.

نگاه به این گفتمان‌ها، بررسی آن‌ها و چگونگی تبادل میان آنان بیان‌گر کیفیت پیدایش قوانین است. این گونه می‌توان دریافت که این «قواعد» در قالب قانون، چگونه و با استفاده از چه روش‌هایی به وجود آمده است (صانعی، ۱۳۸۹، ص. ۴۵). افزون بر این، دستیابی به موفقیت و اثربخشی بیشتر در نظام عدالت‌کیفری و اجرای قانون در گرو درک این فرایندها است (Solomon, 1981, p.5). جرمی که پا به عرصه وجود می‌گذارد نیز در هر مرحله از این فرایند از گفتمان‌های مختلفی متأثر می‌شود. از این‌رو، جرم‌انگاری را می‌توان برآیند روابط میان گفتمان‌های مختلف دانست.

هر پدیده‌ای به فراخور ویژگی‌های خود منشأ ظهور گفتمان‌های گوناگونی است. بروز گفتمان‌ها از سویی حاصل ابعاد مختلف یک پدیده و از سوی دیگر، ناشی از میزان رواج آن در جامعه است. بدین ترتیب، هرچه پدیده‌ای رایج‌تر شود و از جنبه‌های بیشتری برخوردار باشد، گفتمان‌های بیشتری برای تبیین ابعاد آن پا به عرصه می‌گذارند و تلاش می‌کنند تا جنبه‌های مدنظر خود را در عرصه تعریف مشکل و نیز ارائه راه‌کار معرفی کنند. ارتشاء از موضوعاتی است که دغدغه فراوانی ایجاد می‌کند و دولت‌ها می‌کوشند تا از شیوع آن پیشگیری کنند؛ زیرا این پدیده با توجه به ویژگی‌های مختلف خود به حوزه‌های گوناگون اقتصادی، اداری، اجتماعی و گاه سیاسی آسیب می‌زند. این جرم علاوه بر این که با کسب درآمد از طریق نامشروع اقتصاد را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، سلامت و یکپارچگی نظام اداری را نیز بر هم می‌زند. به علاوه، بر اعتماد مردم نسبت به دولت اثر سوء برجای می‌گذارد. از این‌رو، این حوزه می‌تواند میدان تجمع گفتمان‌های مختلفی باشد. در ایران، ارتشاء از نخستین سال‌های قانون‌گذاری وارد ادبیات کیفری ایران شده و مهم‌ترین قوانین برای برخورد با آن حاصل تلاش‌های قانون‌گذار در دهه ۱۳۶۰ است. اگرچه پس از این دهه نیز قوانین دیگری وضع شدند که به این جرم نگاهی داشتند، اما قوانین اصلی در این خصوص را باید در میان قوانین دهه ۱۳۶۰ جستجو کرد. در این خصوص، «قانون مجازات اسلامی، مصوب سال ۱۳۶۲»، «قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشاء و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷»، مجمع تشخیص مصلحت نظام» و «قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور، مصوب ۱۳۶۹» در خور توجه هستند. این قوانین بیان‌گر نخستین تلاش‌های قانون‌گذار اسلامی در برخورد با این جرم

می‌باشند. از این رو، به منظور مطالعه بهتر و ترسیم نمای دقیق‌تری از فرایند جرم‌انگاری ارتشاء در ایران، این قوانین برگزیده شدند.

به منظور مطالعه و تبیین گفتمان‌هایی که در فرایند جرم‌انگاری ارتشاء شکل گرفتند، مشروح مذاکرات این قوانین با استفاده از روش تحلیل محتوا بررسی و تحلیل شدند. مباحث این نوشتار با نظر به سیاست‌گذاری مرحله‌ای در سه گفتار تنظیم شده است. گفتار نخست، با عنوان تعریف مشکل، به بیان ابعاد مختلفی که منجر به شناخت این پدیده به عنوان مشکل شد می‌پردازد و نشان می‌دهد که گفتمان‌های گوناگون چگونه مسأله را شناسایی و تعریف کردند. گفتار دوم، به بیان راه‌کارها و توجیهات ارائه شده برای به کرسی نشاندن آن‌ها می‌پردازد و در نهایت گفتار سوم، با تبیین چگونگی مشروعیت یافتن راه‌کار برگزیده، نشان می‌دهد که به چه ترتیب این مسأله شناسایی شد و راه‌کار برگزیده بر سایرین غلبه کرد.

۱. ارتشاء، مشکلی با جنبه‌های مختلف

در فرایند قانون‌گذاری در خصوص هر پدیده‌ای، نخستین پرسش چیستی مشکل است. در این مرحله چیستی مسأله و ابعاد آن ترسیم می‌شود؛ زیرا پاسخ به هر مشکلی در گرو شناخت این ابعاد است.^۱ در تعریف مشکل ارتشاء، گفتمان‌های گوناگونی شکل گرفتند که هر یک از زاویه‌ای خاص به آن می‌نگریستند. هر یک از این گفتمان‌ها، ویژگی خاصی به مسأله می‌بخشیدند و از این منظر به زعم خود، پدیده را ترسیم می‌کردند. اگرچه هیچ‌یک از این مشخصه‌ها به تنهایی تبیین‌گر تمامی جنبه‌های مسأله نبودند، اما در کنار یکدیگر نمای مناسبی از آن را نشان می‌دهند.

در تکاپوی تعریف مشکل مورد نظر دغدغه‌ای که بیش از همه خودنمایی می‌کند، تهدید علیه نظام اسلامی و حیثیت آن است که می‌توان از آن‌ها به دغدغه‌های سیاسی - امنیتی تعبیر نمود. نمایندگان مجلس شورای اسلامی، تلاش کردند تا نشان می‌دادند که مشکل مورد نظر جنبه سیاسی و امنیتی به خود گرفته است. از این رو، در تعبیر آنان بر «تهدید علیه نظام»، «تهدید علیه انقلاب»، «مخالفت با نظام» و حتی «ضربه به نظام» تأکید می‌شد.^۲ در واقع محور اصلی، نظام و انقلاب بود تا جایی که بر اساس ماده (۴) قانون تشدید امکان تحقق افساد فی‌الارض بر اساس ارتکاب این جرایم پیش‌بینی شد. اگرچه این گفتمان در قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور

۱. بنگرید به: ایروانیان، امیر (۱۳۸۸)، سیاست جنایی، پیشینه تاریخی، ساختار و ویژگی‌ها، در: تازه‌های علوم جنایی

(مجموعه مقاله‌ها)، زیر نظر: علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ نخست، تهران، بنیاد حقوقی میزان، ص. ۹۴.

۲. بنگرید به: مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره دوم، جلسه ۱۶۸، ۱۳۶۴/۶/۱۲، ص. ۳۱ و مشروح مذاکرات

مجلس شورای اسلامی، دوره سوم، جلسه ۲۵۷، ۱۳۶۹/۴/۲۵، ص. ۳۳.

بیشتر جلوه‌گر می‌شود. تا جایی که مطابق ماده (۲) این قانون، چنانچه رفتارهای پیش‌بینی شده در ماده (۱) آن به‌قصد ضربه زدن به نظام و یا مقابله با آن یا علم به مؤثر بودن آن باشد، مجازات مفسد فی‌الارض را به همراه خواهد داشت.

به‌علاوه، این گفتمان به تلقی مردم و حامیان و بانیان انقلاب و نگاه آن‌ها به این پدیده نیز توجه داشت. به نظر آنان، چنین رفتارهایی بر نگاه مردم نسبت به انقلاب و نظام تأثیر می‌گذارد و موجب نارضایتی و دلسردی و حتی در مواردی انحراف مردم از آرمان‌های انقلاب و نظام می‌شود. در این موارد، زاویه دید گفتمان سیاسی به مقوله نگرانی و عقب‌گرد مردم توجه دارد.^۱ در این راستا، بحث‌ها حول گزاره‌هایی چون «دلسردی مردم»، «انحراف مردم انقلابی»، «بدبینی نسبت به انقلاب» و حتی «منافات با آرمان‌های انقلاب» می‌چرخید.^۲

البته، این دغدغه‌ها و نگاه‌های سیاسی تا حد بسیاری بیان‌گر فضای سال‌های نخستین پس از پیروزی انقلاب اسلامی بود^۳ که در گفتمان نمایندگان مجلس شورای اسلامی به بهترین شکل خودنمایی می‌کرد. بر همین اساس، صاحبان این گفتمان تلاش کردند تا با طرح ابعاد مسأله از زاویه تهدید علیه نظام و تأثیر آن بر دیدگاه مردم، به اهمیت آن اشاره کنند. از این‌رو، ارکانی چون انقلابی‌گری و حفظ نظام به‌عنوان ثمره انقلاب به نحو برجسته‌ای خود را نشان می‌داد.

درواقع، نقطه ثقل این گفتمان امنیت سیاسی است که در پی تدارک ساختار و تشکیلات حکومت است تا از هرگونه رفتار مخل نظام جلوگیری نماید (کوشا، ۱۳۹۰، ص. ۸۷۰). اگرچه جرایمی چون ارتشاء به‌مثابه جرمی اقتصادی یا فساد اقتصادی و مالی جلوه‌گر می‌شود، اما ذیل گفتمان مورد بحث، گویی بُعد امنیت سیاسی یافته است. به این ترتیب، مشکل از منظر این گفتمان بیشتر از آن‌که اقتصادی باشد، سیاسی و امنیتی است و دغدغه اصلی نیز انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران است. با این حال، این گفتمان نتوانست کل جریان تعریف مسأله را در سیطره خود قرار دهد و نگرش‌های اقتصادمحور نیز در کنار آن شکل گرفتند.

گفتمان اقتصادی با تکیه بر مسائل کلان و خرد، مشکل را از دو جنبه ترسیم کرد. از جنبه نخست، پیامدهای این پدیده بر امنیت کشور مورد توجه قرار گرفت. از این منظر، بیشتر از اصطلاحاتی چون «تروریست اقتصادی» استفاده می‌شود و مرکز توجه آن، اقتصاد و تمامیت نظام اقتصادی و تأثیر آن بر امنیت این حوزه است.

۱. به نظر برخی از اندیشمندان این عرصه، بازیگران سیاسی هنگامی وارد صحنه می‌شوند که نگرانی عمومی ایجاد شده باشد؛ زیرا آنان بیش از هر چیز به نگرانی‌های مردم توجه دارند (Solomon, 2014, p.34).

۲. بنگرید به: مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۹/۴/۲۵، صص. ۳۰ و ۳۳.

۳. به گفته برخی از مسؤولین آن دوران، در اوایل انقلاب، جو مبارزه حاکم بود و این جو بر همه حوزه‌ها تأثیر گذاشته بود (احمدی امویی، ۱۳۸۵، ص. ۱۰).

درواقع ذیل این گفتمان، امنیت اقتصادی به رسمیت شناخته می‌شود. امنیتی که در کنار امنیت سیاسی، به‌عنوان ارزشی مستقل و بنیادین و سزاوار صیانت توسط حقوق کیفری، به‌عنوان متداول‌ترین و سنتی‌ترین سازوکار، معرفی می‌شود (همان، ص. ۸۷۰) (نیازپور، ۱۳۸۸، ص. ۷۵۹). به‌علاوه، در دوران جنگ حفظ و بقای اقتصاد کشور به‌عنوان یک اصل مطرح بود (احمدی امویی، ۱۳۸۵، ص. ۹۰). از این جهت، گفتمان اقتصادی به گفتمان پیشین نزدیک می‌شود و جنبه‌های امنیتی - سیاسی - اقتصادی را به یکدیگر پیوند می‌زند و تهدید به اقتصاد را تهدیدی علیه تمامیت نظام تلقی می‌کند. این گفتمان در کنار نگرش امنیتی مورد اشاره، مشکل را از دریچه **حمایت اقتصادی** نیز مورد توجه قرار داد. در این نگاه، ترسیم مسأله بیشتر از دریچه آسیبی که به بازار و نظام حاکم بر آن و چرخه صحیح جریان امور اقتصادی وارد می‌شود، صورت می‌گیرد و تمرکز، بیشتر بر شرایط اقتصادی و رای امنیت سیاسی است. گفتگوها در این دیدگاه، حول محورهایی چون «بهبود سیستم اقتصادی»، «اخلال در نظام اقتصادی»، «اقتصاد از مسائل اساسی»، «نابسامانی در بازار» و «حیف و میل اموال» شکل می‌گیرد و با توجه به آن‌ها ابعاد مختلف مشکل تبیین می‌شود.^۱

این بعد از مسأله از منظر گفتمان اقتصادی بیشتر به دیدگاه‌های اقتصادی محض نزدیک می‌شود و کمتر جنبه امنیتی یافته و ابعاد مسأله را از منظر موانع شکل‌گیری سازوکارهای اقتصادی و راه‌های کسب درآمد صحیح تعریف می‌کند.

به این ترتیب، گفتمان اقتصادی در تعریف مشکل بر امنیت اقتصاد و حمایت از اقتصاد با هم تأکید دارد. دغدغه این گفتمان، اقتصاد و آثار و آسیب‌هایی است که از رفتارهای موردنظر به اقتصاد کشور در ابعاد مختلف خرد و کلان وارد می‌شود. به‌علاوه، در کنار آن به ناامنی که از این مقوله ناشی می‌شود نیز توجه دارد. به‌طور کلی، ارزش مورد حمایت قانون‌گذار در این دسته از جرایم، نظم و امنیت اقتصادی در کنار یکدیگر است.

در کنار مسائل سیاسی و اقتصادی مطرح، گفتمان‌های دیگری نیز در پی تعریف مشکل برآمدند که مسأله را از منظر تحقق عدالت اجتماعی و حفظ ارزش‌های جامعه تعریف می‌کردند. از محورهای برجسته در تبیین هر مشکلی، آسیب به اجتماع و گروه‌های خاصی از آن است که در جریان جرم‌انگاری ارتشاء، ذیل گفتمان اجتماعی با غلبه نگاه حمایتی مطرح شد. از این منظر، آنچه منجر به تعریف پدیده به‌عنوان مشکل می‌شود، آسیبی است که به گروه‌های محروم جامعه وارد می‌کند و فرصت‌های برابر را از بین می‌برد. پدیده‌هایی چون ارتشاء با توجه به ویژگی‌های آن، موجب می‌شوند که گروه‌های مرفه با استفاده از امکاناتی که در دست دارند، کار خود را به پیش برند؛ حال

۱. بنگرید به: مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۹/۴/۲۵، صص. ۲۹ - ۲۸ و ۳۱-۳۲ و مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره سوم، جلسه ۲۵۹، ۱۳۶۹/۴/۲۷، صص. ۲۴-۲۳ و ۲۸-۲۹ و ۳۲.

آن که بر محرومیت گروه‌های محروم به جهت نداشتن امکانات لازم، روز به روز افزوده می‌شود. این امر، فشار بیشتر بر این طبقه‌های اجتماع و از بین رفتن حقوق آنان را به همراه دارد.^۱ درواقع، این گفتمان توجه را به سوی **تبعیض اقتصادی** جلب می‌کند. به‌زعم آنان، تبعیض اقتصادی می‌تواند عامل فساد اقتصادی باشد و راه را بر دیگر گونه‌های فساد نیز بگشاید. این تبعیض، منجر به تضعیف گروه‌های ضعیف و تقویت گروه‌های قوی می‌شود.^۲ (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۹/۴/۲۵، ص. ۳۰).

افزون بر این، گفتمان اجتماعی برای تعریف مشکل، آن را از منظر لطمه‌ای که به ارزش‌ها و انتظارات جامعه وارد می‌کند نیز تبیین می‌نماید و بر **کلیت جامعه** نظر دارد. از این‌رو، نقطه ثقل این مذاکرات بر «لطمه به جامعه»، «انتظارات مردم»، «حساسیت یا نارضایتی مردم»، «اثرات مخرب جرایم اقتصادی» و «معضل یا بلای اجتماعی» قرار می‌گیرد.^۴ به این ترتیب، ابعاد مسأله گسترده‌تر از آسیب به گروه‌های خاصی از اجتماع است. این پدیده، با اثری که بر کل جامعه برجای می‌گذارد، آن را به یک معضل و بلای اجتماعی تبدیل کرده است. انتظار مردم و حساسیتی که از جانب آنان نسبت به این پدیده شکل گرفته، دالّ بر این امر است.^۵

بنابراین، گفتمان اجتماعی ابعاد مسأله را با توجه به اثر آن بر **جامعه و گروه‌های اجتماعی محروم** ترسیم می‌کند و به این منظور، توجه خود را بر عناصر مختلفی که در جامعه حیات دارند معطوف می‌کند. از این‌رو، انتظار مردم یا تبدیل چنین پدیده‌ای به یک معضل اجتماعی مبین مشکل است.

۱. بنگرید به: مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره دوم، جلسه ۱۶۸، ۱۳۶۴/۶/۱۲، ص. ۳۱ و مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۹/۴/۲۷، صص. ۲۴-۲۳.

۲. این بعد از مسأله از منظر قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز قابل توجه است. مطابق قانون اساسی، باید از اکثریت جامعه در مقابل طبقه‌ای که امکانات نظام اقتصادی و به تبع آن، ثروت‌های کلان و بالاخص بیت‌المال در میان آنان متمرکز شده است، دفاع کرد تا مانع از استقرار نظام اقتصادی ناعادلانه و مبتنی بر تبعیض اقتصادی شود (سماواتی پیروز، ۱۳۹۰، ص. ۶۵۴).

۳. البته این امر ریشه در گفتمان اقتصادی حمایت از نیروهای مستضعف نیز داشت که در میان گفتمان‌های اقتصادی اوایل انقلاب، به گفتمان غالب در عرصه اقتصاد کشور تبدیل شده بود و از این طریق در صدد تحقق عدالت اجتماعی بود (احمدی امویی، همان، صص. ۱۴۳ و ۲۵۱).

۴. بنگرید به: مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴/۶/۱۲، ص. ۲۸ و مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴/۴/۲۵، صص. ۲۳ و ۲۸ و ۳۰.

۵. این بعد از مشکل یادآور «معیار مقبولیت یا فرض هم‌نوایی و پذیرش» است که بر لزوم توجه به افکار عمومی و خواست جامعه در جرم‌انگاری رفتارها تأکید دارد (پوربافرانی، ۱۳۹۲، صص. ۳۴-۳۳).

از گفتمان‌هایی که پس از انقلاب اسلامی پیوندی ناگسستنی با ادبیات تقنینی و جرم‌انگاری ایران پیدا کرد، گفتمان دینی است. در حوزه فساد اقتصادی نیز، این گفتمان در کنار دیگر گفتمان‌ها مطرح شد. از منظر این گفتمان، با توجه به نقش محوری دین در جامعه، ابتلای جامعه به این رفتارها به اسلام ضربه می‌زند.^۱ به علاوه، به دلیل قرابت نظام سیاسی کنونی ایران با دین، ضربه به اسلام، می‌تواند در نهایت بر نظام نیز اثر بگذارد. از این جهت این گفتمان به گفتمان سیاسی نزدیک می‌شود.

در کنار این موضوع، حرمت چنین پدیده‌هایی در اسلام نیز در تبیین مشکل به خدمت گرفته می‌شود.^۲ با توجه به این که یکی از مبانی مهم جرم‌انگاری در اسلام حرمت رفتارها است، این گفتمان به نوعی ذیل تعریف مشکل، جرم‌انگاری آن را نیز توجیه می‌کند.

همچنین، عدم التزام مستخدمین دولتی به مبانی اسلامی در این چارچوب مطرح شد. از این منظر، کارگزاران نتوانسته‌اند اخلاق و ارزش‌های اسلامی را در خود درونی کنند و همین امر موجب بروز چنین پدیده‌هایی شده است.^۳ در پرتو این دیدگاه، هنوز کارگزاران جمهوری اسلامی آن گونه که باید خود را به اخلاق اسلامی ملتزم نکرده‌اند (احمدی امویی، همان، ص. ۱۴۷). بدین ترتیب، این گفتمان در تعریف مشکل قانون‌گذاران را به ضربه به اسلام، حرمت رفتار و نیز عدم التزام کارگزاران به ارزش‌های اسلامی متوجه می‌کند.

پس از تعریف مسأله، در مرحله بعدی فرایند جرم‌انگاری راه‌کارهای مختلفی ارائه شد که با رویکردهای متفاوت در پی پاسخ به این مشکل برآمدند.

۲. ارتشاء، مشکلی در خور توجه نظام عدالت کیفری

تعریف مسأله نقطه آغازین برخورد با مشکلاتی است که بروز می‌کنند. پس از آن با توجه به ابعاد شناسایی شده، راه‌کارهای مختلفی ارائه می‌شود و عرصه را بر تصمیم‌سازی هموار می‌کند. تنظیم راه‌کار که در ادبیات سیاست‌گذاری با عنوان برآورد نیز معرفی شده است، در واقع، ادامه منطقی اقداماتی است که در مرحله شناخت مسأله و قرار گرفتن آن در دستور کار انجام می‌شود. راه‌کارهایی که در خصوص پاسخ به پدیده‌های مورد نظر در قوانین پیش‌گفته ارائه شد، در دو دسته عمده قابل بررسی هستند. برخی از آن‌ها با ارائه راه‌کارهای خود به دنبال توسعه جرم‌انگاری اند، حال

۱. بنگرید به: مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۹/۴/۲۵، ص. ۳۳.

۲. بنگرید به: مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۹/۴/۲۷، ص. ۲۲.

۳. بنگرید به: مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۹/۴/۲۵، ص. ۲۹.

آن که رویکرد مقابل تلاش دارد تا آن‌ها را به سمتی هدایت کند که جرم‌انگاری و درنهایت مداخله حقوق کیفری محدود شود.

در این مرحله، در مقایسه با مرحله تعریف مشکل، از تعداد این گفتمان‌ها کاسته می‌شود؛ زیرا برخی از آن‌ها، اگرچه مشکل را از ابعاد مختلف بیان می‌کنند، اما راه‌کارهای مشابهی پیشنهاد می‌دهند. به‌علاوه، برخی نیز در یکدیگر ادغام می‌شوند و ذیل یک گفتمان جای می‌گیرند. همچنین، اگرچه برخی ابعاد مشکل را بررسی و آن را بیان می‌کنند ولی برای رفع آن راه‌کاری ارائه نمی‌دهند که همین امر موجب خروج آنان از روابط گفتمانی مراحل بعدی می‌شود.

الف. رویکرد توسعه جرم‌انگاری

یکی از راه‌کارهایی که در هنگام بروز مشکل و به‌منظور از بین بردن آن خودنمایی می‌کند، جرم‌انگاشتن آن است. رویکرد توسعه جرم‌انگاری نیز در این راستا، جرم‌انگاری را مانع بروز چنین پدیده‌هایی تلقی می‌کند و امکان ورود پاسخ‌های واکنشی را فراهم می‌آورد. راه‌کار ارائه شده ذیل این رویکرد، از زوایای مختلفی ترسیم و توجیه می‌شود.

کنش‌گران در خصوص ارائه راه‌کار ذیل این رویکرد از منظر گفتمان سیاسی با هدف حمایت از نظام و مبارزه با دشمن، تلاش می‌کردند تا با ارائه راه‌کارهای سخت‌گیرانه‌ای با ارتشاء برخورد کنند. این گفتمان که این جرم را علیه تمامیت نظام تلقی می‌کرد، در راستای پاسخ به آن و **مبارزه با دشمنان، پیشگیری از این مفسد و اخلال در نظام، جرم‌انگاری حداکثری را مطرح کرد**.^۱ این گروه با نگاه خود به مسأله بر جرم‌انگاری به‌عنوان تنها راه‌کار مورد نظر تأکید می‌کردند و به دنبال مداخله حداکثری از طریق نظام عدالت کیفری بودند.

به‌علاوه، با توجه به این که ارتکاب این جرم تهدید علیه تمامیت نظام تلقی می‌شد و حفظ نظم سیاسی یکی از ارکانی است که می‌تواند در توجیه دامنه جرم‌انگاری مورد توجه قرار گیرد (پرادل، ۱۳۹۲، صص. ۷۶-۷۷) و از منظر فقهی نیز از ضروریات اجتماع انسانی قلمداد شده است (ولایی، ۱۳۹۱، ص. ۴۸)، اهتمام راه‌کارهای تعبیه شده بر این قرار گرفت که باید به **مبارزه با دشمنان از طریق جرم‌انگاری** پرداخت. شاید بتوان این مسأله را در سایه نظام مکتبی جمهوری اسلامی تبیین کرد. به‌ویژه در فضای سیاسی اوایل انقلاب و در بحبوحه جنگ تحمیلی که بی‌شک همه‌چیز در سیطره آن معنا می‌یافت. از این‌رو، از آنجاکه هر سیاستی مستلزم انطباق با مقتضیات زمانی و مکانی است

۱. بنگرید به: مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۹/۴/۲۵، ص. ۳۳ و مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۹/۴/۲۷، ص. ۳۲.

(حسینی، ۱۳۹۴، ص ۱۶)، رشد نظام عدالت کیفری در مرحله نخست سیاست‌گذاری خود در آن دوران نیز نمی‌توانست فارغ از آن فروض سیاسی شکل گیرد (Garrison, 2009, p.10).

همچنین، به‌زعم کنش‌گران این گفتمان، جرم‌انگاری می‌تواند راهی برای پیشگیری از اخلال در نظام باشد. از این جهت، جرم‌انگاری و توسعه آن به مصادیق جزئی‌تر، منجر به پیشگیری از جرایم مهم‌تر می‌شود. آنان، بر این باور بودند که با توجه به خطاها و جرایم کم‌اهمیت می‌توان به پیشگیری از جرایم مهم‌تر امید داشت. این گروه این‌گونه نظر خود را توجیه می‌کردند که باید برای پیشگیری از ارتکاب جرایم مهم‌تر در این حوزه، جرم‌انگاری را به مصادیق جزئی‌تر تسری داد. از این رو، بر حذف واژگانی چون کلان، عمده و انبوه و تسری همه موارد بر عناوینی چون اخلال تأکید می‌ورزیدند. به‌زعم آنان، نفس این جرایم، به اندازه کافی مخل است و نیازی به تعیین میزان خاصی برای شمول این جرایم بر این رفتارها وجود ندارد.^۱ افزون بر این، جرم‌انگاری رفتارهایی که می‌توانند زمینه ارتکاب رفتارهای مهم‌تر را فراهم کنند، منجر به افزایش هزینه‌های ارتکاب جرم می‌شود و معادله جرم را به‌سوی عدم ارتکاب آن سوق می‌دهد (شمعی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۲). این گفتمان برای توجیه راه‌کار ارائه شده، توسعه جرم‌انگاری را طریقی برای پیشگیری از زمینه‌های ارتکاب جرایم مهم‌تر تلقی و آن را به‌عنوان پشتوانه نظر خود بیان می‌کرد.^۲ واضح است که این دیدگاه، کارکرد جرم‌انگاری صورت گرفته در قانون تشدید را در عمل از بین می‌برد.

گفتمان اقتصادی نیز برای رفع تهدیدهای اقتصادی و برقراری امنیت اقتصادی با گفتمان سیاسی هم‌داستان شد و بر جرم‌انگاری گسترده اصرار می‌ورزید. در خصوص مشکلات اقتصادی دو گفتمان حمایتی و امنیتی در کنار هم قرار گرفتند و راه‌کار مورد نظر را پاسدار نظام اقتصادی کشور تلقی کردند. از این رو، اصرار بر این بود که رفتارهای اخلال در نظام اقتصادی جرم‌انگاری (گفتمان امنیت اقتصادی) و شامل تمامی اشکال شدید و خفیف شود (گفتمان حمایت از اقتصاد) و موردی از قلم نیفتد. جرم‌انگاری و توسعه آن در این حوزه سازوکاری برای رفع تهدیدها و ضربه‌های اقتصادی و حیفاومیل اموال تلقی می‌شد. نمایندگان ذیل این گفتمان، این‌گونه استدلال می‌کردند که در مبارزه با چنین پدیده‌هایی که بر اقتصاد تأثیرگذارند باید از موارد خرد شروع کرد تا به موفقیت رسید. به‌زعم آنان اگر تنها به موارد عمده توجه و از موارد جزئی گذر شود، زمینه ارتکاب

۱. بنگرید به: مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۹/۴/۲۵، ص ۳۳ و مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۹/۴/۲۷، صص ۳۲ و ۳۸ و مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره سوم، جلسه ۲۵۸، ۱۳۶۹/۴/۲۶، ص ۲۱ و مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره دوم، جلسه ۱۳۲، ۱۳۶۴/۲/۲۴، ص ۲۳.

۲. در حال حاضر چنین برخوردهایی مخالف با گفتمان مداخله حداقلی حقوق جزا تصور و از آن به سوءمصرف حقوق جزا تعبیر می‌شود (غلامی، ۱۳۹۳، ص ۲۲). به‌علاوه، از منظر هوساک، حقوق کیفری باید به‌عنوان آخرین راه‌کار در پیشگیری از بزهکاری به خدمت گرفته شود (هوساک، ۱۳۹۳، ص ۱۱۰).

همواره باقی می‌ماند^۱. در واقع، جرم‌انگاری تمامی مصادیق از نگاه نمایندگان این گفتمان، می‌تواند مانع از بروز مفاسد و ضربه‌های اقتصادی بزرگ و حیف‌ومیل اموال شود^۲.

گفتمان اجتماعی نیز با توجیحات خود راه‌کار ارائه شده را تقویت می‌کرد. این گفتمان، برای حمایت از جامعه و گروه‌های خاصی از آن، نخستین راه‌کاری که ارائه می‌داد، جرم‌انگاری این رفتارها بود. به‌زعم مدعیان این گفتمان جرم‌انگاری می‌تواند فرهنگ مناسبی ایجاد و در راستای نفع به‌ویژه گروه‌های ضعیف اقدام کند. ذیل این گفتمان بر این نکته تأکید می‌شد که با توجه به خدمات افراد زحمت‌کش و گروه‌های محروم جامعه و آثاری که چنین رفتارهایی بر حقوق آنان خواهد داشت، تمام موارد باید جرم‌انگاری شوند. پاره‌ای نمایندگان، برای توجیه این راه‌کار به ادبیات انقلابی و حمایتی تمسک می‌جستند و این‌گونه توضیح می‌دادند که هدف انقلاب اسلامی حمایت از مستضعفان و رسیدگی به ثروت‌های نامشروع است (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، همان). به‌این ترتیب، راه‌کاری باید پذیرفته شود که بتواند نظام را به هدف مورد نظر برساند. گفتمان حمایت‌مدار نیز که در پی حمایت از گروه‌های محروم است، این مقوله را مورد توجه قرار می‌داد. توجیحات ذیل این دسته، مقوله‌های انقلاب، حمایت از گروه‌های محروم و مبارزه با ثروت‌اندوزی نامشروع را به هم پیوند می‌زد. بر این اساس، رگه‌های ابزارگرایی تا اندازه‌ای در این گفتمان مشاهده می‌شود؛ چراکه، تلاش داشتند تا نشان دهند تنها طریقی که می‌تواند راهی برای رسیدن به اهداف، پیش روی قانون‌گذاران قرار دهد، جرم‌انگاری است.

به‌علاوه، گفتمان اجتماعی از طریق تنبه به آثار این رفتار درصدد توجیه راه‌کار خود برآمد تا جایی که برخی از کنش‌گران بر این باور بودند که ارتشاء به‌عنوان یکی از مصادیق فساد اقتصادی در مقایسه با فساد سیاسی و اخلاقی با توجه به آثاری که از خود برجای می‌گذارد، از اهمیت بیشتری برخوردار است. آنان حتی فساد اقتصادی را عامل مهمی برای بروز و ظهور فساد سیاسی و اخلاقی می‌دانستند و برای پیشگیری از انواع دیگر فساد بر توجه بیش‌از‌پیش آن اصرار می‌کردند^۳.

از منظر نقش‌آفرینان این گفتمان، برای پیشگیری از زیان‌های وارده می‌توان جرم‌انگاری در این حوزه را توجیه کرد^۴ (Kestigian, 2012, p.17).

۱. بنگرید به: مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۹/۴/۲۶، ص. ۲۱.

۲. بنگرید به: مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۹/۴/۲۷، ص. ۳۲.

۳. این گفته به‌نوعی یادآور نظر انگلس است که سازمان اقتصادی خاص هر جامعه را پایه واقعی حیات آن جامعه می‌داند (صانعی، ۱۳۸۹، ص. ۵۱).

۴. این مسأله یادآور اصل زیان و توجه به آن در جرم‌انگاری است. براساس این اصل، رفتار بی‌زیان را هرگز نباید جرم‌انگاری کرد و پیش از آن باید زیان‌آوری رفتار را نشان داد. همان‌طور که به نظر بکاریا مقیاس واقعی جرایم زیانی است که به جامعه وارد می‌شود (بکاریا، ۱۳۸۹، ص. ۹۴). در خصوص محدوده این اصل و رویکردهای مختلف بر

بدین ترتیب، می‌توان گفت نوعی «باور عمومی» در مبارزه با پدیده موردنظر از طریق جرم‌انگاری شکل گرفته بود و در راستای توجه به خواست عموم، جرم‌انگاری در این حوزه توجیه می‌شد. با توجه به این که باور عمومی معمولاً در مسائل مهم و مشترک حیات اجتماعی ایجاد می‌شوند و نشان‌گر توافق فکری افراد بسیاری در جامعه است (صانی، همان، صص. ۳۳۲-۳۳۰)، تکیه بر این امر نشان می‌دهد که این مسأله چنان اهمیتی داشت که منجر به شکل‌گیری انتظار عمومی در قالب جرم‌انگاری در واکنش به این پدیده شده بود. از کارکردهای قانون نیز تنظیم روابط افراد در صحنه اجتماع است. از این رو، پیدایش آن باید با توجه به بسترهای اجتماعی شکل گیرد. به علاوه، شناخت واقعیت‌های جامعه و توجه به مطالبات مردم در حین تصویب قوانین، اجرای آن را نیز به نوعی تضمین می‌کند. این گفتمان نیز می‌کوشید تا با ارتباط این قضیه و استناد به انتظارات شکل گرفته میان مردم، جرم‌انگاری خود را توجیه کند.

ب. رویکرد مداخله محدود در قلمرو جرم‌انگاری ارثاء

در حوزه ارائه راه‌کار، در مقابل رویکردی که بر توسعه جرم‌انگاری اصرار داشت و ذیل گفتمان‌های مختلف راه‌کار خود را توجیه می‌کرد، رویکرد رقیبی نیز شکل گرفته بود. بر اساس آن، جرم‌انگاری‌های جدید نمی‌تواند مشکلات مطرح شده را مرتفع نماید. در این خصوص برای رفع مشکل، باید به سراغ راه‌های دیگری مانند سازوکارهای پیشگیرانه نیز رفت. البته، این رویکرد در پی نفی جرم‌انگاری و به بیانی دیگر، جرم‌زدایی نبود، بلکه جرم‌انگاری‌های صورت گرفته در قوانین موجود را مناسب با پدیده واقع شده می‌دانست. از منظر آنان، راه‌کارها باید بر پیشگیری از این پدیده استوار شود.

به این ترتیب، این رویکرد پیشنهاد کرد که پیش از توسل به قانون‌گذاری (جرم‌انگاری) جدید و با توجه به قابلیت‌های موجود در نظام عدالت کیفری، برآورد کلی از سازمان‌ها و نهادهای درگیر با پدیده مجرمانه صورت گیرد. تأکید آنان بر این بود که در درجه اول قانون‌گذار به سوی عدم مداخله از طریق حقوق کیفری رهنمون شود و در صورت لزوم توسل به حقوق کیفری، هماهنگی و آماده‌سازی دستگاه‌های مربوط و نیز توجه به سازوکارهای پیشگیرانه در کنار آن قرار گیرد (دلماسمارتی، همان، صص. ۴۰۴-۳۹۷).

مبنای آن بنگرید به: استوارت، همیش (۱۳۹۲)، محدوده اصل زبان [در جرم‌انگاری]، ترجمه: علی شجایی، در: دایره‌المعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی)، کتاب دوم، چاپ نخست، تهران، بنیاد حقوقی میزان، صص. ۱۲۸۷-۱۲۶۲.

از منظر این گفتمان، این قوانین درصدد برخورد با پدیده‌های خاصی هستند و نباید مقررات سخت‌گیرانه موجود در آن را به همه مصادیق خرد تسری داد؛ به‌ویژه در قانون مجازات اخلاص‌گران در نظام اقتصادی کشور این امر نمود بیشتری داشت و کنش‌گران این گفتمان مدام به‌عنوان جرم اشاره داشتند و تأکید می‌کردند که با حذف اصطلاحات و تعبیرهایی چون کلان، عمده و ... این عنوان دیگر معنایی نخواهد داشت.^۱

درواقع، در مقابل گفتمان نخست دال بر توسعه جرم‌انگاری، گفتمان رقیب تا حد بسیاری تلاش داشت تا توجیه کند که نیازی به توسعه دامنه جرم‌انگاری در این حوزه نیست. این گفتمان در این راستا، بر حفظ واژگانی چون عمده، کلان و انبوه اصرار داشت تا از این طریق از دامنه جرم‌انگاری‌ها کاسته شود؛ زیرا هرچه عناوین موجود در این قانون فارغ از این قیود وضع شوند، به همان میزان دامنه آن گسترده‌تر می‌شود و بسیاری از مصادیق خرد و کوچک نیز ذیل آن قرار می‌گیرند. در صورتی که به نظر آنان، هدف از وضع این قانون برخورد با شقوق خاصی از جرایم است و نمی‌توان بدون توجه به هدف آن و به‌ویژه در ارتباط با مفهوم اخلاص دست به توسعه جرم‌انگاری زد. از دیگر دلایلی که این گروه بر توجیه رویکرد خود ارائه می‌دادند، توجه به پاسخ شدید پیش‌بینی شده در برخورد با این جرایم بود. از این جهت، استدلال می‌کردند که باید تناسب رفتار با این پاسخ‌ها مورد توجه قرار گیرد. به این ترتیب، توسعه جرم‌انگاری در این حوزه را منافی اهداف مقرر و نیز اصل تناسب می‌دانستند.

علاوه بر این، از منظر این گفتمان باید زمینه‌های ارتکاب جرم را از بین برد و راه‌کارها بر مدار برنامه‌ریزی مناسب برای کاهش این زمینه‌ها پیشنهاد شود و به‌جای معلول باید با علت مبارزه کرد.^۲ درواقع، به‌زعم آنان تا هنگامی که این زمینه‌ها وجود داشته باشند، همچنان شاهد بروز چنین جرایمی خواهیم بود. به این ترتیب، راهکارها باید بر از بین بردن تبعیض‌ها و اصلاح ساختارهای اداری تمرکز کند.^۳ به‌علاوه، باید در گزینش اشخاص حساسیت بیشتری به خرج داد و کسانی را به کار گمارد که به نظام پایبند و از روحیه خدمت برخوردار باشند.^۴

از دیگر پیشنهادها این گروه پیش‌بینی راه‌هایی بود که بتوان مشکلات اقتصادی مانند تورم را که از زمینه‌های بروز این رفتار تلقی می‌شد، از بین برد که این امر نیازمند همکاری قوای سه‌گانه

۱. بنگرید به: مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۹/۴/۲۷، ص. ۲۷.

۲. بنگرید به: مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۹/۴/۲۵، ص. ۲۲.

۳. بنگرید به: مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۹/۴/۲۵، ص. ۲۲ و مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی،

۱۳۶۹/۴/۲۷، ص. ۲۵.

۴. بنگرید به: مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۹/۴/۲۷، ص. ۲۵.

است.^۱ به این ترتیب، تنها با کیفری کردن این پدیده نمی‌توان پاسخ شایسته‌ای به آن داد. در واقع، از منظر این گفتمان باید در کنار جرم‌انگاری، به بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی نیز توجه داشت، در غیر این صورت، امیدی به کاهش میزان این جرایم نیست.

این رویکرد، بدون این‌که جرم‌انگاری در این حوزه را رد کند، بر راه‌کارهای تکمیلی توجه دارد و بر این باور است که تعبیه این راه‌کارها و توجه به آن‌ها می‌تواند از گسترش مداخله کیفری در این حوزه جلوگیری کند.

همان‌طور که یکی از نمایندگان بیان می‌کند: «باید برنامه‌ریزی دقیق بکنیم و ببینیم که چه کار باید کرد که جرایم و جنایت کم شود که بعد در نهایت امر این برنامه هم باشد این بتواند مؤید آن باشد و مکمل آن باشد... به صورت مجرد در نظر گرفتن [جرم‌انگاری] فایده‌ای ندارد» (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، همان، ص. ۲۲).

بر این اساس، رویکرد مداخله محدود جرم‌انگاری، در صدد است تا به سایر راه‌کارهای تکمیلی نیز توجه داشته باشد و به این منظور بر رفع زمینه‌های ارتکاب جرم تأکید دارد که در دو راهکار انتصاب افراد شایسته و احراز شرایط خاصی در آن‌ها و بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی بیرونی در پرتو برنامه‌های کلان متبلور می‌شود.

۳. مشروعیت بخشی به جرم‌انگاری ارشء در پناه دغدغه‌های سیاسی و اجتماعی

پس از ارائه راه‌کارهای مختلف یا هم‌زمان با ارائه آن‌ها، این راه‌کارها به رقابت با یکدیگر می‌پردازند و ارائه‌دهندگان تلاش می‌کنند تا با استدلال، راه‌کار مورد نظر خود را توجیه نمایند و در نهایت، به راه‌کار برگزیده تبدیل کنند. به این ترتیب، بعضی از پیشنهادها پذیرفته شده و برخی نیز از چرخه رقابت کنار می‌روند.

مهم‌ترین چالش و گفتگوها یا مبارزات گفتمانی نیز در راستای به کرسی نشاندن راه‌کار مورد نظر صورت می‌گیرد. در این مرحله آنچه پیروز شود به احتمال بسیار به متن مصوب تبدیل خواهد شد.^۲ در روند قانون‌گذاری، اگرچه در مرحله تعریف مشکل، گفتمان‌های متفاوت‌تری حضور داشتند، اما در مراحل بعدی ارائه راه‌کار و مشروعیت بخشی به آن‌ها، از تنوع آن‌ها کاسته شد؛ چراکه، ناخودآگاه به مرور برخی از گفتمان‌ها در گفتمان‌های دیگری جذب می‌شوند یا آن‌که به کلی از میدان رقابت کنار می‌روند.

۱. بنگرید به: مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۹/۴/۲۵، ص. ۲۸.

۲. هرچند در فرایند قانون‌گذاری در ایران با توجه به حضور کنش‌گران دیگری چون شورای نگهبان ممکن است این رقابت دست‌خوش تغییراتی قرار گیرد و نتیجه نهایی رقابت گفتمانی در مجلس، الزاماً به راه‌کار نهایی مندرج در قانون تبدیل نشود.

درنهایت، قوانین تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری و مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور، در راستای تحقق اهداف موردنظر و با توجه به گفتگوهای صورت گرفته تصویب شد. در این راستا، پس از آن‌که مشکلات در خصوص ابعاد مسأله بیان شد، راه‌کارهایی مبنی بر توسعه جرم‌انگاری یا مداخله کیفری محدود مورد چانه‌زنی قرار گرفت. نخستین بحث در عرصه جرم‌انگاری هر پدیده‌ای، بر ضرورت یا عدم ضرورت جرم‌انگاری آن اختصاص می‌یابد. در خصوص جرایم موردنظر نیز دعوای نخستینی که شکل گرفت بر سر ضرورت یا عدم ضرورت تصویب چنین قوانینی در راستای جرم‌انگاری این پدیده بود. نظرات در این حوزه در دو دسته کلی قرار گرفتند. گروهی از نمایندگان مجلس **تصویب قانون جدید را به دلیل وجود قوانین فعلی** لازم نمی‌دانستند و برخی بر **ضرورت تصویب قانون جدید** در این عرصه تأکید داشتند. هر یک از این دو گروه برای تقویت نظر خود به دلایل مختلفی تمسک جستند؛ اما اغلب نمایندگان بر ضرورت تصویب چنین قانونی نظر داشتند. از این‌رو، بیشتر مباحث در جهت توجیه تصویب قانون شکل گرفت.

البته، رویکرد عدم جرم‌انگاری در این حوزه به معنای عدم نیاز به جرم‌انگاری این رفتارها نبود، بلکه این گروه بر توجه بیشتر به قوانین گذشته تأکید داشتند و بر این باور بودند که **در مورد این مسأله قانون به اندازه کافی وجود دارد** و نیاز به تصویب قوانین جدید نیست. به‌زعم این عده، مشکل، نبود قانون برای مبارزه نیست و این احساس تحت تأثیر **دیدگاه عموم** و در راستای **دغدغه رئیس قوه قضائیه** شکل گرفته است.^۱

به تعبیر این گروه، رویکرد مخالف به‌نوعی تحت تأثیر عوام‌گرایی سیاسی و به‌تبع آن عوام‌گرایی کیفری شکل گرفته است و نه واقعیت‌ها و ضرورت‌های موجود. انتقاد این گروه نسبت به گفتمان رقیب این بود که برای کسب مقبولیت، دست به این پیشنهاد زده‌اند و با دستاوردهای علمی در مقام تبیین میزان کارآمدی و اثربخشی قوانین موجود برنیامده‌اند. از این‌رو، در پیچ‌گرایی به سیاست کیفری سخت‌گیرانه، بزرگ‌نمایی تدابیر و اقدام‌های غیر مؤثر و سیاست‌گذاری مبتنی بر حوادث روزمره افتاده‌اند (فرجیها و مقدسی، ۱۳۹۲، ص. ۱۱۷۴).^۲

اما دیدگاه ضرورت جرم‌انگاری که در مقابل دیدگاه پیشین شکل گرفت با دلایل مختلف در پی اثبات ضرورت جرم‌انگاری جدید و تصویب قانون در این حوزه برآمد. درنهایت نیز این دیدگاه گوی

۱. بنگرید به: همان، صص. ۳۱-۳۰.

۲. در خصوص زمینه‌های سیاسی که موجبات برور سخت‌گیری کیفری را فراهم می‌آورد، بنگرید به: طاهری، سمانه (۱۳۹۲)، سیاست کیفری سخت‌گیرانه، چاپ نخست، تهران، بنیاد حقوقی میزان، صص. ۵۴-۲۷.

سبقت را از دیدگاه نخست ربود و به‌عنوان گفتمان غالب و پیروز، عموم مجلس را به سمت پذیرش مشکل و جرم‌انگاری در این حوزه متقاعد کرد.^۱

از این‌رو، در مرحله ارائه راه‌کار، شاهد حضور گفتمان‌هایی هستیم که در راستای کم‌وکیف جرم‌انگاری پدیده‌های مدنظر پیشنهادی خود را مطرح می‌کنند. بر این اساس، در راستای رفع خلأهای قانونی (توجیه جرم‌انگاری برای رفع مشکلات) و نیز ایجاد ارباب (توجیه جرم‌انگاری برای مبارزه) راه‌کارها ارائه و بر سر آن مباحثاتی شکل گرفت. مذاکرات نشان می‌دهد که به‌طور ضمنی، کنش‌گران به پیشگیری از این رفتارها از طریق جرم‌انگاری نظر داشتند. هرچند این امر تا حدی یادآور اخلاق‌گرایی فاینبرگ است، اما نمی‌توان راه‌کار نهایی برگزیده شده را از آن جهت توجیه کرد؛ زیرا از منظر فاینبرگ، تنها هنگامی که جرم انگاشتن عملی مانع از رواج آن شود یا آن را کاهش دهد، جرم‌انگاری موجه خواهد بود (داف، ۱۳۹۲، ص. ۱۳۰۵)، درحالی‌که آنچه درنهایت، توانست جرم‌انگاری در این حوزه را توجیه کند، افزون بر آثار آن‌ها، توجه به نظام و انقلاب و خواست مردم بود.

متن نهایی مصوب در مجلس نشان می‌دهد که از میان راه‌های پیشنهادی جرم‌انگاری به‌عنوان راه‌کاری مناسب و لازم برگزیده شد. این جرم‌انگاری با توجه به اهداف نظام و آثار این رفتار توجیه شد. البته با توجه به حفظ عبارات و واژگانی چون عمده و کلان و ...، گفتمان توسعه جرم‌انگاری نتوانست مجلس را به‌طور کلی مجاب کند و درنهایت گفتمان مداخله کیفری محدود، با پذیرش توجیهات مدنظر کنش‌گران توسعه جرم‌انگاری، موفق به جلب نظر نمایندگان مجلس برای حفظ چنین واژگانی شد.

به این ترتیب، می‌توان گفت گفتمان غالب که درنهایت از دل مذاکرات صورت گرفته منشأ اثر جرم‌انگاری در این حوزه شد، تلفیقی از گفتمان سیاسی و اجتماعی بود. این گفتمان در توجیه راه‌کار خود مبتنی بر جرم‌انگاری، گزاره‌های گفتمان سیاسی - حفظ تمامیت نظام - و اجتماعی - توجه به گروه‌های محروم و حمایت از آن‌ها - را به هم پیوند زد.

نتیجه‌گیری

۱. بنگرید به: میرمجیدی، سپیده، حبیب‌زاده، محمدجعفر، فرجیها، محمد، امیدی، جلیل (بهار ۱۳۹۵)، تحلیل برساخت‌گرایانه فرآیند جرم‌انگاری در ایران براساس نظریه واقعیت اجتماعی جرم، پژوهش حقوق کیفری، سال چهارم، شماره چهاردهم، ص. ۱۵۲.

فضای حاکم بر دهه شصت در ایران و توجه به ابعاد و ارکان مختلف قضیه، نشان می‌دهد که نسبت به جرم‌انگاری ارتشاء در دو قانون تشدید و اخلال‌گران، نگاهی نسبتاً ابزارگرایانه حاکم است؛ زیرا در گفتمان‌هایی که ذیل جرم‌انگاری و چگونگی آن مطرح شدند، به اهدافی که بر اساس آن نظام جمهوری اسلامی ایران و انقلاب اسلامی بنا نهاده شده است، اشاره داشتند. به‌علاوه، در گفتمان غالب مدام بر این نکته تأکید شد که برای تحقق آن اهداف باید از حقوق کیفری به‌عنوان راه نخست بهره برد. درواقع، مناسب‌ترین ابزار برای دستیابی به اهداف مدنظر قانون‌گذاران، استفاده از حقوق کیفری بود. با این‌که این نگاه تا حدی دربرگیرنده دیدگاه‌های ابزارگرایانه است، اما نمی‌توان آن را ابزارگرایی مدنظر اندیشمندانی چون والکر دانست، بلکه با توجه به ارکان منحصری که در خود دارد، نوعی ابزارگرایی همراه با جنبه‌های امنیتی و حمایتی است. در این خصوص، پدیده‌هایی که در اجتماع رخ داده‌اند نیز بر نظریه غالب جرم‌انگاری در این حوزه مؤثر بود.

به‌علاوه، توجه به آثار این پدیده و توجیه جرم‌انگاری و حتی توسعه دامنه آن، بیان‌گر ورود ضرر به کلیت جامعه یا بخشی از آن و حتی به تمامیت نظام و انقلاب است. از این‌رو، ضرر که گرانیگاه جرم‌انگاری‌های لیبرال است ناخودآگاه در جریان جرم‌انگاری چنین رفتارهایی در ایران نیز خودنمایی می‌کند.^۱

همچنین، توجه به آورده‌های گفتمان‌های مختلف نشان از هم‌گرایی مصلحت‌جامعه و مصلحت نظام سیاسی و حکومت در توجیه جرم‌انگاری دارد.^۲ درواقع، این پدیده از چنان اهمیتی برخوردار بود که وفاق جمعی متشکل از حاکمیت و جامعه در کنار هم برای برخورد با این پدیده شکل گرفت. هرچند می‌توان آن را تا حد بسیاری متأثر از فضای انقلابی دوران مورد نظر دانست و بی‌شک، زمینه‌های اجتماعی موجود در این همگرایی نقش بارزی ایفا می‌کرد. در ارتباط با این پدیده، دیگر نمی‌توان تنها به خواست حکومت اکتفا کرد و آن را ناشی از ساختارهای حکومتی دانست. بلکه با توجه به انتظار مردم در پاسخ به این پدیده و اشاره نمایندگان مجلس به مطالبات مردم از آنان باید عرصه جرم‌انگاری در آن دوران را ذیل نوعی وفاق جمعی معنا کرد. حتی تا حد

۱. بنگرید به: رستمی، هادی (بهار و تابستان ۱۳۹۳)، جرم‌انگاری و کیفرگذاری در پرتو اصول محدودکننده آزادی در

نظریه لیبرال، پژوهش‌نامه حقوق کیفری، سال پنجم، شماره اول، صص. ۶۰-۵۸؛ و

Braithwaite, John, Pettit, Philip (1994), Criminalization, Decriminalization and Republican Theory, International Journal of Criminology, Vol. 32, No.12, p. 64.

۲. پیداست وقتی از مصلحت سخن به میان می‌آید، مقصود مصلحت واقعی جامعه و مردم است و نه مصلحت اندیشی‌هایی که حکومت‌ها به منظور گستردن دامنه قدرت خود به آن‌ها دست می‌آویزند (نوبهار، ۱۳۹۳، ص. ۵۹).

بسیاری مصلحت حکومت در این خصوص نیز تحت تأثیر منفعت جامعه قرار گرفته است.^۱ به این ترتیب، جرم‌انگاری این رفتارها، محصول فشارها و اجبارهای سیاسی و زمینه‌های اجتماعی بود.^۲ از این رو، مشخصه‌های گفتمان‌های مطرح در فرایند جرم‌انگاری در حوزه ارتشاء را می‌توان ذیل دو مقوله **تجاوز به منافع عمومی و اضرار به غیر** قرار داد. در واقع، جرم‌انگاری در این حوزه در پرتو این دو مشخصه توجیه‌پذیر است. اگرچه در خصوص مفهوم منافع عمومی همواره پرسش‌ها و تردیدهای بسیاری مطرح می‌شود، اما این منفعت در دهه ۱۳۶۰ تا حد بسیاری بر گفتمان سیاسی حمایت از نظام و انقلاب استوار بود.^۳ اضرار به غیر نیز ذیل گفتمان اجتماعی و در راستای حمایت از گروه‌های محروم جامعه قابل توجه است؛ زیرا جرم‌انگاری در نتیجه تعارض منافع و تعامل بخش‌های قدرتمند و فاقد قدرت شکل می‌گیرد و در پناه اصل جمهوریت نظام، این امر نمی‌تواند فارغ از توجه به انتظارات عمومی و تلاش در جهت سازگاری با آن باشد. اگرچه این توجه را می‌توان مرهون ممنوعیت ورود هر نوع ضرری ذیل قاعده لاضرر در اسلام نیز دانست؛ چراکه، گستره این قاعده ضررهای کلی که بر اقتصاد و اجتماع و حتی نظام سیاسی وارد می‌شود و اصل دین و حیثیت جامعه اسلامی و اعتبار مسلمین را مخدوش می‌کند نیز، در بر می‌گیرد (ولایی، همان، ص. ۴۶). در واقع، این رفتارها به لحاظ شدت و وخامت ضرر نسبت به منافع عمومی و مصالح و به بیانی اهمیت مفسده مترتب بر آن، قابل چشم‌پوشی نبود و مداخله کیفری را می‌طلبید (حسینی، همان، ص. ۱۳۰) و گفتمان‌های درگیر در این جریان نیز بر آن‌ها تأکید می‌ورزیدند.

اما با توجه به این که ارزش غالب در آن دوره حمایت از نظام و انقلاب بود، مشخصه‌های مدنظر گفتمان سیاسی بیش از همه مورد توجه قرار گرفت و موجب شد که جرم‌انگاری ارتشاء در دهه ۱۳۶۰ تا حد بسیاری از این گفتمان نشأت گیرد.^۴ غلبه این گفتمان تا حد بسیاری حکایت از شرایط زمان تصویب این قوانین دارد؛ واقعیتی که نمی‌توان آن را نادیده انگاشت این است که

۱. در خصوص ادبیات نظریه مصلحت و ترسیم انواع آن و نیز رابطه مصلحت و منفعت حکومت و اجتماع بنگرید به: محمودی جانکی، فیروز (زمستان ۱۳۹۳)، جرم‌انگاری حق‌مدار؛ با تأکید بر نظریه آلمانی مصالح حقوقی، پژوهش حقوق کیفری، سال سوم، شماره نهم، ص. ۹۷.

۲. در خصوص نقش این عوامل بر جرم‌انگاری بنگرید به: محمودی جانکی، فیروز، مهرانگیز، روستایی (بهار و زمستان ۱۳۹۲)، توجیه مداخله کیفری؛ اصول و ضرورت‌ها، پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره سوم، ص. ۳۶.

۳. برخی از نویسندگان اصل مصلحت را در تقارن با منافع جمعی یا عمومی قرار داده‌اند و آن‌ها را مترادف دانسته‌اند. از منظر آنان، در نظام حقوقی اسلام این اصل از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و در حقوق جزای ایران نیز به‌ویژه در جرایم علیه حکومت، این اصل به بهترین نحو می‌تواند توجیه‌کننده اعمال کیفر در مواردی باشد که صرفاً موجودیت، تمامیت و اعتبار و بقای نظام اسلامی مورد خدشه قرار می‌گیرد (آقابابایی، ۱۳۸۶، ص. ۵۹).

۴. این تفوق را می‌توان ذیل قاعده حفظ نظام که از لوازم آن جرم‌انگاری است، توجیه کرد؛ بنگرید به: ولایی، عیسی (۱۳۹۱)، جرایم و مجازات‌ها در اسلام، چاپ نخست، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، ص. ۵۱.

جرم‌انگاری متأثر از سیاست‌های معاصر و شرایط اقتصادی و ایدئولوژی‌های غالب است. به این ترتیب، این مقوله به عنوان فرایندی حقوقی با هدف حفظ و تأمین مصالح عمده و نظم عمومی و دفع مفسد مهم فردی و اجتماعی ناشی از ملاحظات و مؤلفه‌های زمانی، مکانی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و ... است که آن را به فرایندی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و گاه دینی تبدیل می‌کند.^۱

فرایند جرم‌انگاری ارتشاء در ایران در دهه ۱۳۶۰ نیز باید در پرتو زمینه اجتماعی و رویدادهای موجود و در پرتو ادبیات گفتمانی آن روزگار فهم شود؛ زیرا این فرایند در زمینه اجتماعی و موقعیتی شکل می‌گیرد که به نوبه خود حاصل تعامل گروه‌های درگیر در این جریان است. بدین سان، جرم‌انگاری در این حوزه، در راستای حمایت از تمامیت و حیثیت نظام و انقلاب و برای تحقق اهداف نظام در جهت حمایت از گروه‌های ضعیف‌تر و با نگاه به آثار اجتماعی و اقتصادی که بر جای می‌گذارد مانع از تجاوز به منافع عمومی می‌شود. از این رو، در راستای ممانعت از این تجاوز، مصلحت اجتماع و مصلحت نظام سیاسی و به طور کلی حکومت، هم‌زمان در گرو مبارزه با این پدیده معنا شد و مطالبات سیاست‌مداران و مردم در کنار هم منجر به جرم‌انگاری گردید.

به این ترتیب، توجه به مشخصه‌های گفتمانی مطرح، نشان می‌دهد که گزاره‌های دیدگاه ابزارگرایانه و لیبرال تا حدی در کنار هم قرار می‌گیرند، ولی نمی‌توان این فرایند را متأثر از آن دو خط‌مشی دانست. بلکه، این دو مقوله تا حد بسیاری ریشه در نیاز آن روز جامعه ایران در برخورد شدید در قالب جرم‌انگاری با چنین پدیده‌هایی و نیز اندیشه‌های فقهی داشت. در واقع، جرم‌انگاری مورد نظر، اگرچه برخی از ارکان نظریه‌های جرم‌انگاری رایج را در خود جای داده است، اما نمی‌توان آن را ذیل هیچ‌یک از آن‌ها قرار داد. شاید بتوان بنای نخستین فرایند جرم‌انگاری را منفعت (مصلحت) عمومی دانست که برخی از گزاره‌های مطرح در آن صبغه فایده‌گرایانه دارد.

منابع

الف) فارسی

۱. آقابابایی، حسین (۱۳۸۶)، بررسی فقهی-حقوقی جرم براندازی، چاپ دوم، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲. احمدی‌امویی بهمن (به‌کوشش) (۱۳۸۵)، اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی، چاپ نخست، تهران، گام نو.
۳. استوارت، همیش (۱۳۹۲)، *محدوده اصل زیان / در جرم‌انگاری*، ترجمه: علی شجایی، در: دایره‌المعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی)، کتاب دوم، چاپ نخست، تهران، بنیاد حقوقی میزان، صص. ۱۲۸۷-۱۲۶۲.

۱. همان‌طور که به نظر جونز «بازی‌های سیاسی»، «الزامات اقتصادی»، «ساختارهای اجتماعی»، «حساسیت‌های فرهنگی» و «ریشه‌های مذهبی»، ارکان مهمی برای بدعت‌های کیفی و شکل دادن به قانون محسوب می‌شوند (Jones, 2002, p.178).

۴. اشتریان، کیومرث (۱۳۸۶)، سیاست‌گذاری عمومی ایران، چاپ نخست، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
۵. ایروانیان، امیر (۱۳۸۸)، سیاست جنایی، پیشینه تاریخی، ساختار و ویژگی‌ها، در: تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقاله‌ها)، زیر نظر: علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ نخست، تهران، بنیاد حقوقی میزان، صص. ۱۰۱-۵۷.
۶. بکاریا، سزار (۱۳۸۹)، رساله جرایم و مجازات‌ها، ترجمه: محمدعلی اردبیلی، چاپ ششم، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
۷. پرادل، ژان (۱۳۹۲)، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه: علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ هفتم، تهران، انتشارات سمت.
۸. پوربافرانی، حسن (۱۳۹۲)، *بایدها و نبایدهای جرم‌نگاری در حقوق ایران*، مجلس و راهبرد، سال ۲۰، شماره ۷۵، صص. ۲۵-۵۲.
۹. حسینی، سیدمحمد (۱۳۹۴)، سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران، چاپ چهارم، تهران، انتشارات سمت.
۱۰. داف، آنتونی (۱۳۹۲)، *حقوق جنایی*، ترجمه: قاسم محمدی، در: دایره‌المعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی)، کتاب دوم، چاپ نخست، تهران، بنیاد حقوقی میزان، صص. ۱۳۱۸-۱۲۸۸.
۱۱. دلماس-مارتی، می‌ری (۱۳۹۵)، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، برگردان: علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ سوم، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
۱۲. رستمی، هادی (بهار و تابستان ۱۳۹۳)، *جرم‌نگاری و کیفرگذاری در پرتو اصول محدودکننده آزادی در نظریه لیبرال*، پژوهش‌نامه حقوق کیفری، سال پنجم، شماره اول، صص. ۸۱-۵۵.
۱۳. سماواتی پیروز، امیر (زمستان ۱۳۹۰)، *تأملی بر جرایم اقتصادی از منظر بایسته‌های حقوق جزای اقتصادی*، در: یادنامه شادروان دکتر رضا نوربها (ضمیمه مجله تحقیقات حقوقی)، صص. ۶۷۶-۶۴۵.
۱۴. شمعی، محمد (۱۳۹۲)، درآمدی بر جرم‌نگاری و جرم‌زدایی، چاپ نخست، تهران، انتشارات جنگل.
۱۵. صانعی، پرویز (۱۳۸۹)، حقوق و اجتماع: رابطه حقوق با عوامل اجتماعی و روانی، چاپ دوم، تهران، طرح نو.
۱۶. طاهری، سمانه (۱۳۹۲)، سیاست کیفری سخت‌گیرانه، چاپ نخست، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
۱۷. غلامی، حسین (۱۳۹۳)، اصل حداقل بودن حقوق جزا، چاپ نخست، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
۱۸. فرجیها، محمد، مقدسی، باقر (۱۳۹۲)، *پاسخ‌های کیفری عوام‌گرایانه به مفاسد اقتصادی*، در: دایره‌المعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی)، کتاب دوم، چاپ نخست، تهران، بنیاد حقوقی میزان، صص. ۱۱۹۳-۱۱۷۴.
۱۹. کوشا، جعفر (زمستان ۱۳۹۰)، *امنیت اقتصادی با تأکید بر پیشگیری و مبارزه با قاچاق کالا و پولشویی*، در: یادنامه شادروان دکتر رضا نوربها (ضمیمه مجله تحقیقات حقوقی)، صص. ۸۷۳-۸۶۹.
۲۰. محمودی جانکی، فیروز، مهرانگیز، روستایی (بهار و زمستان ۱۳۹۲)، *توجیه مداخله کیفری؛ اصول و ضرورت‌ها*، پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره سوم، صص. ۶۶-۳۵.
۲۱. محمودی جانکی، فیروز (زمستان ۱۳۹۳)، *جرم‌نگاری حق‌مدار؛ با تأکید بر نظریه آلمانی مصالح حقوقی*، پژوهش حقوق کیفری، سال سوم، شماره نهم، صص. ۱۱۰-۸۳.
۲۲. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۴/۲/۲۴)، دوره دوم، جلسه ۱۳۲.
۲۳. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۴/۶/۱۲)، دوره دوم، جلسه ۱۶۸.
۲۴. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۹/۴/۲۵)، دوره سوم، جلسه ۲۵۷.
۲۵. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۹/۴/۲۶)، دوره سوم، جلسه ۲۵۸.

۲۶. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۹/۴/۲۷)، دوره سوم، جلسه ۲۵۹.
۲۷. میرمجیدی، سپیده، حبیب‌زاده، محمدجعفر، فرجیها، محمد، امیدی، جلیل (بهار ۱۳۹۵)، *تحلیل برساخت‌گرایانه فرایند جرم‌انگاری در ایران براساس نظریه واقعیت اجتماعی جرم*، پژوهش حقوق کیفری، سال چهارم، شماره چهاردهم، صص. ۱۷۲-۱۴۵.
۲۸. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، هاشم بیگی، حمید (۱۳۹۵)، *دانشنامه جرم‌شناسی*، چاپ چهارم، تهران، انتشارات گنج‌دانش.
۲۹. نوبهار، رحیم (۱۳۸۷)، *حمایت حقوق کیفری از حوزه‌های عمومی و خصوصی*، چاپ نخست، تهران، انتشارات جنگل.
۳۰. نوبهار، رحیم (۱۳۹۳)، *اصل کاربرد کمینه حقوق کیفری*، در: *اصل حداقل بودن حقوق جزا*، چاپ نخست، تهران، بنیاد حقوقی میزان، صص. ۶۴-۴۱.
۳۱. نیازپور، امیرحسن (۱۳۸۸)، *جرم‌انگاری در حقوق کار ایران، جلوه‌ای از راهبرد حمایتی پیش‌روی سیاست جنایی*، در: *تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقاله‌ها)*، زیر نظر: علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ نخست، تهران، بنیاد حقوقی میزان، صص. ۷۸۲-۷۵۹.
۳۲. وحید، مجید (۱۳۸۳)، *سیاست‌گذاری عمومی*، چاپ نخست، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
۳۳. ولایی، عیسی (۱۳۹۱)، *جرایم و مجازات‌ها در اسلام*، چاپ نخست، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۳۴. هوساک، داگلاس (۱۳۹۳)، *حقوق کیفری به‌مثابه آخرین راه‌حل*، در: *اصل حداقل بودن حقوق جزا*، چاپ نخست، تهران، بنیاد حقوقی میزان، صص. ۱۳۸-۹۳.

ب) انگلیسی

1. Braithwaite, John, Pettit, Philip (1994), *Criminalization, Decriminalization and Republican Theory*, International Journal of Criminology, Vol. 32, No.12, pp. 61-80.
2. Garrison, Arthur H. (2009), *The Influence of Research on Criminal Justice Policy Making*, Professional Issues in Criminal Justice, Vol. 4, No.1.
3. Kestigian, Aidan E. (19th May 2012), *Respect for Individuals in Theories of Criminalization*, A study presented to the Faculty of Wheaton College in Philosophy, Massachusetts.
4. Kingdon, John W. (2014), *Agendas, Alternatives, and Public Policies* (second edition), Pearson New International Edition.
5. Jones, Trevor, Newburn, Tim (2002), *Policy convergence and crime control in the USA and the UK: Streams of influence and levels of impact*, Criminal Justice Journal, Sage Publication, Vol.2, No.2, pp.173-203.
6. Solomon Jr., Peter H. (1981), *The Policy Process in Canadian Criminal Justice: A Perspective and Research Agenda*, Canadian J. Criminology, 23, 5.
- Solomon, Peter H. Jr. (2014), *the Making of Criminal Law in Russia and the West: the Policy Process, Administration, and the Role of Experts*, Public Administration Issues, Special Issue, pp. 29-56.